



رہبر - جوانانِ ایران

اسم حسین

شہرت قیادگی

پدر نوروزی

شماره ۱۱۷

محل تولد بہن

تاریخ تولد

محل سابق

نام مستعار

علائم ممیزہ

سن ۳۲



اسم حسن  
شہرت زوی (معدری سائنس)

پدر اسماعیل  
شناختنامہ ۱۹۴۵ - ۱۹۶۰

محل تولد تریز  
تاریخ تولد سن ۱۹۴۰

محل سابق کراچی

نام مستعار

علامہ سید



اسم زینب

شہرت عزیزہ

پدر اسماعیل عزیزان

شناختنامہ ۲۱۸۴۲ - آرکائیو

محل تولد لاہور

تاریخ تولد

شغل سابق روغن ہالی

نام مستعار

علامہ عزیزہ



اسم عدلی  
شہرت سقانی

پدر حسین

شنا سنماہ ۹۸۹۵-۹۹۰۰

محل تولد بریز

تاریخ تولد کنواریل

مغل سابق گروہائی

نام مستعار

علائم مہیزہ



اسم لڑکی  
شہرہ گلشنی

پدر کا نام

مقام پیدائش ۱۹۴۵ء - پٹنہ

محلہ محلہ

تاریخ تولد ۱۹۴۵ء

محلہ سابقہ گورنمنٹ

نام استاد

پتہ - راجندر پور - پٹنہ - بیہار - بنگلہ دیش



دانشگاه

اسم محرم

شهرت نزدی

پدر گوارنگ

شناسنامه ۶۵۹۱ - شماره

محل تولد

تاریخ تولد

شغل سابق

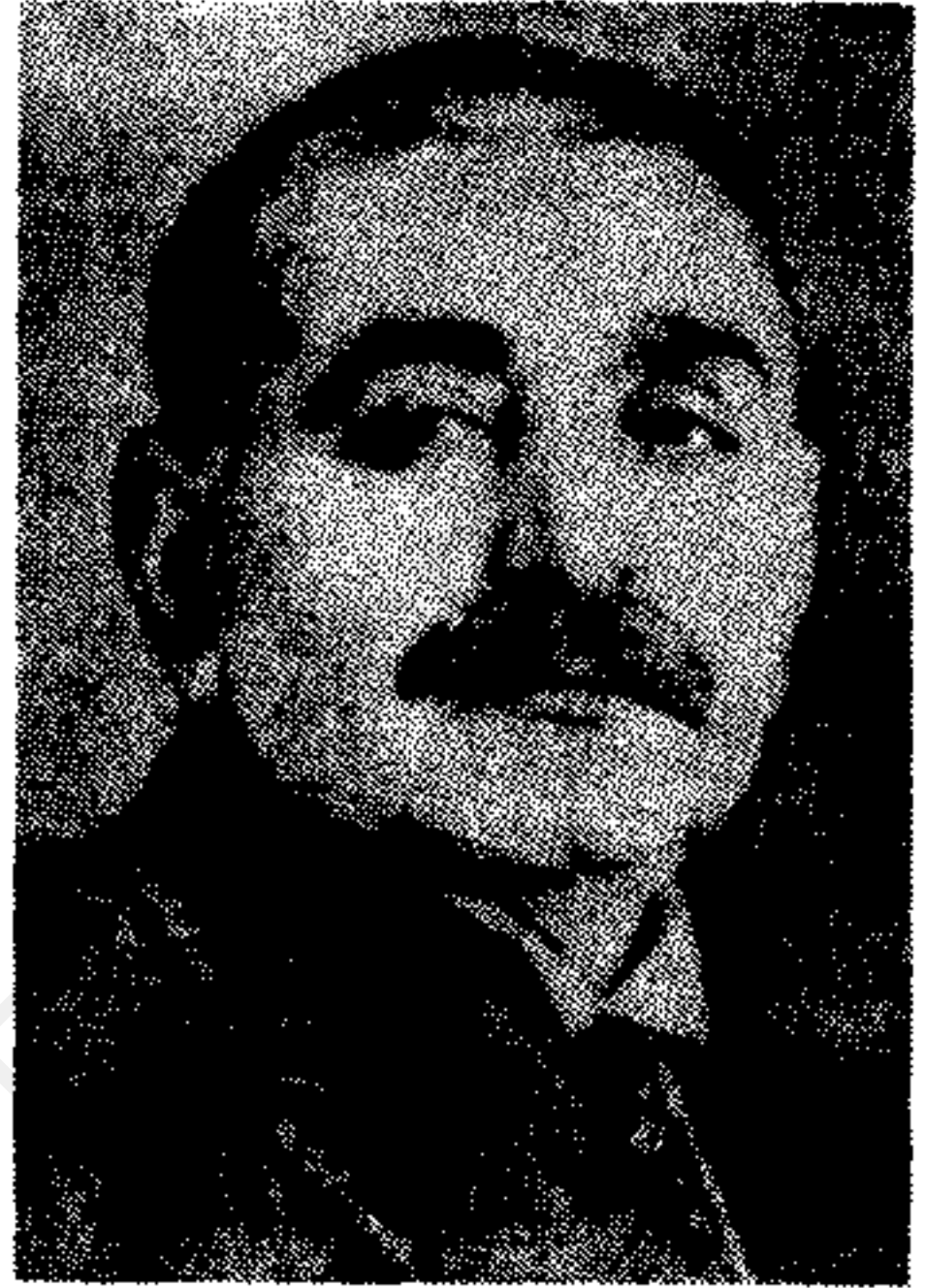
نام مستعار

علائم ممیزه



### ۳. سایر تصاویر

مجموعه تصاویری که در این بخش ارائه می‌گردد، از آرشیوهای مؤسسه اطلاعات و مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی دیدگاه استخراج شده است.



سلیمان میرزا اسکندری

او از آزادیخواهان سوسیالیست بود که به اتحاد شوروی احترام می‌گذاشت (ص ۷۷).



رادمنش به کسانی که به او ابراز علاقه می‌کردند اعتماد مطلق داشت (ص ۳۹۶).

دکتر رضا رادمنش



عباس زرافعی

گروهی از «۵۳ نفر» به طرف شرکت نفت انگلیس رفتند و حزب سوسیالیست را تشکیل دادند، مثل عباس زرافعی (ص ۶۷).



مهدی لاله

عده‌ای از «۵۳ نفر»، مثل مهدی لاله، رفتند به دنیال پول (ص ۵۲).



عباس اسکندری وابسته به قوام، وابسته به  
آمریکاییها بود (ص ۶۸).



عباس اسکندری



عبدالقادر آزاد

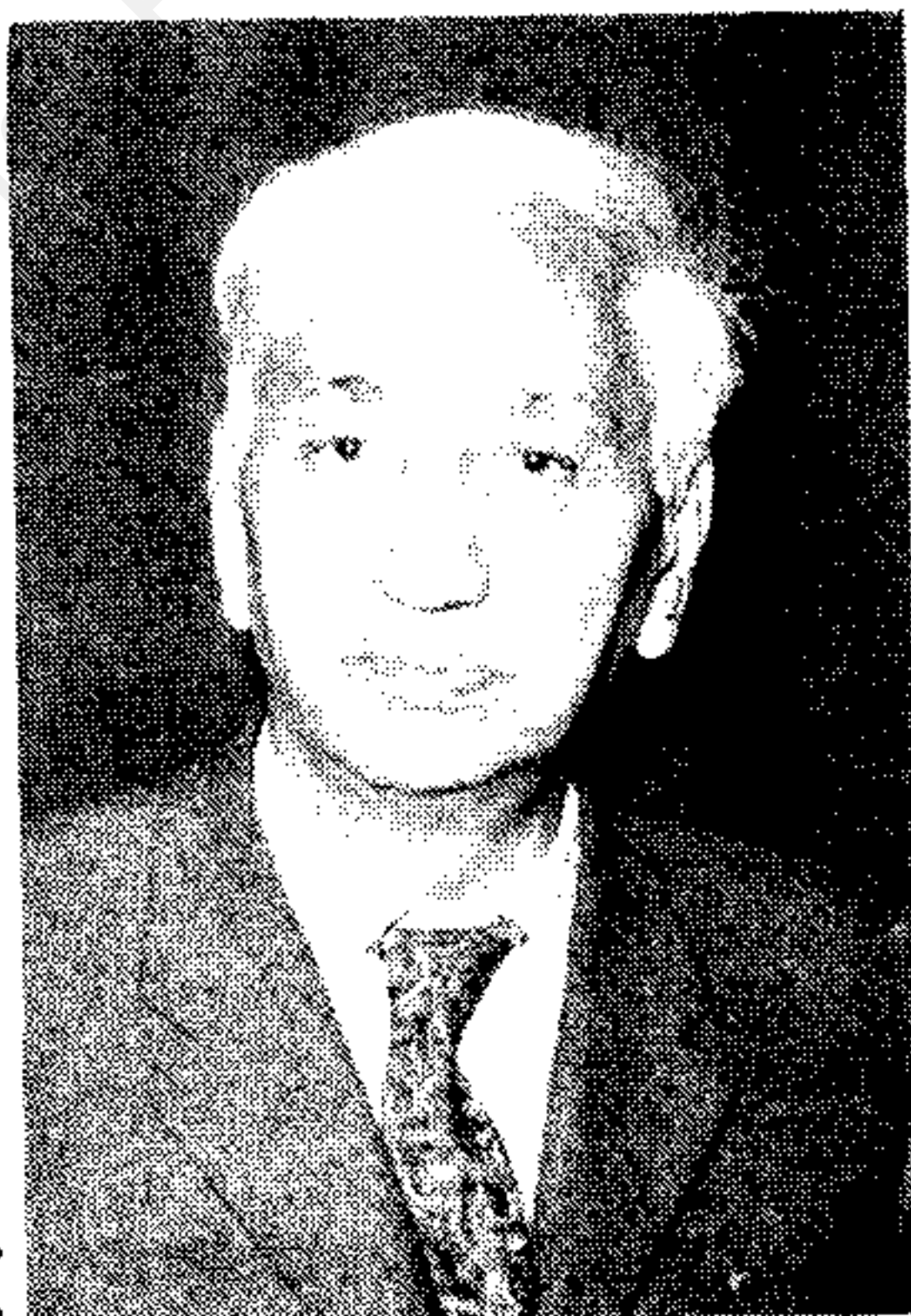
آزاد گفته بود که من با فاشیسم مبارزه نمی کنم و  
نیستم و از حزب کنار گرفته (ص ۶۸).



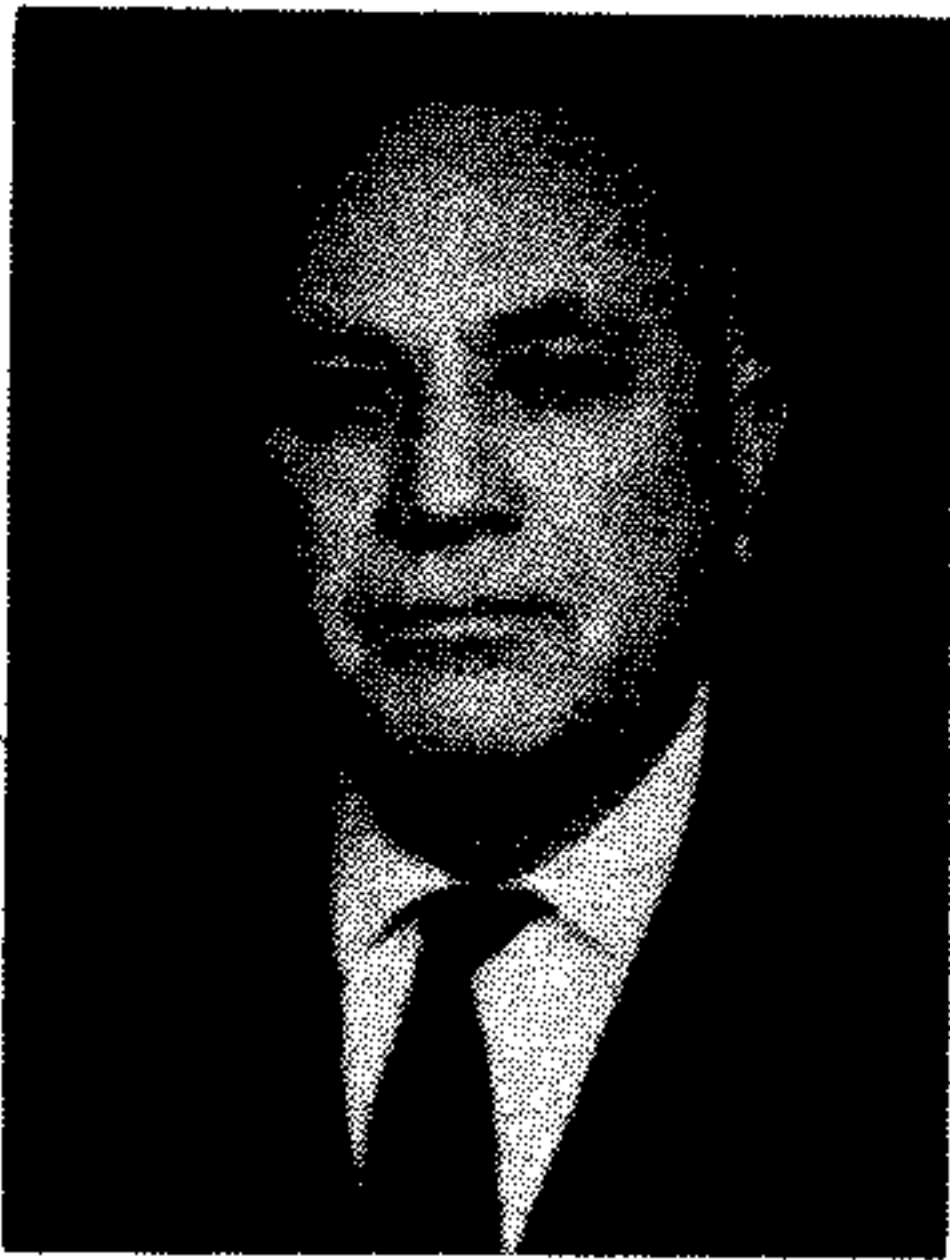
مصطفی فاتح

فاتح خانم لمبتون را به این ورو آن ورمی کشاند و با همه ملاقات می داد (ص ۷۵ - ۷۶).

علی جواهر کلام



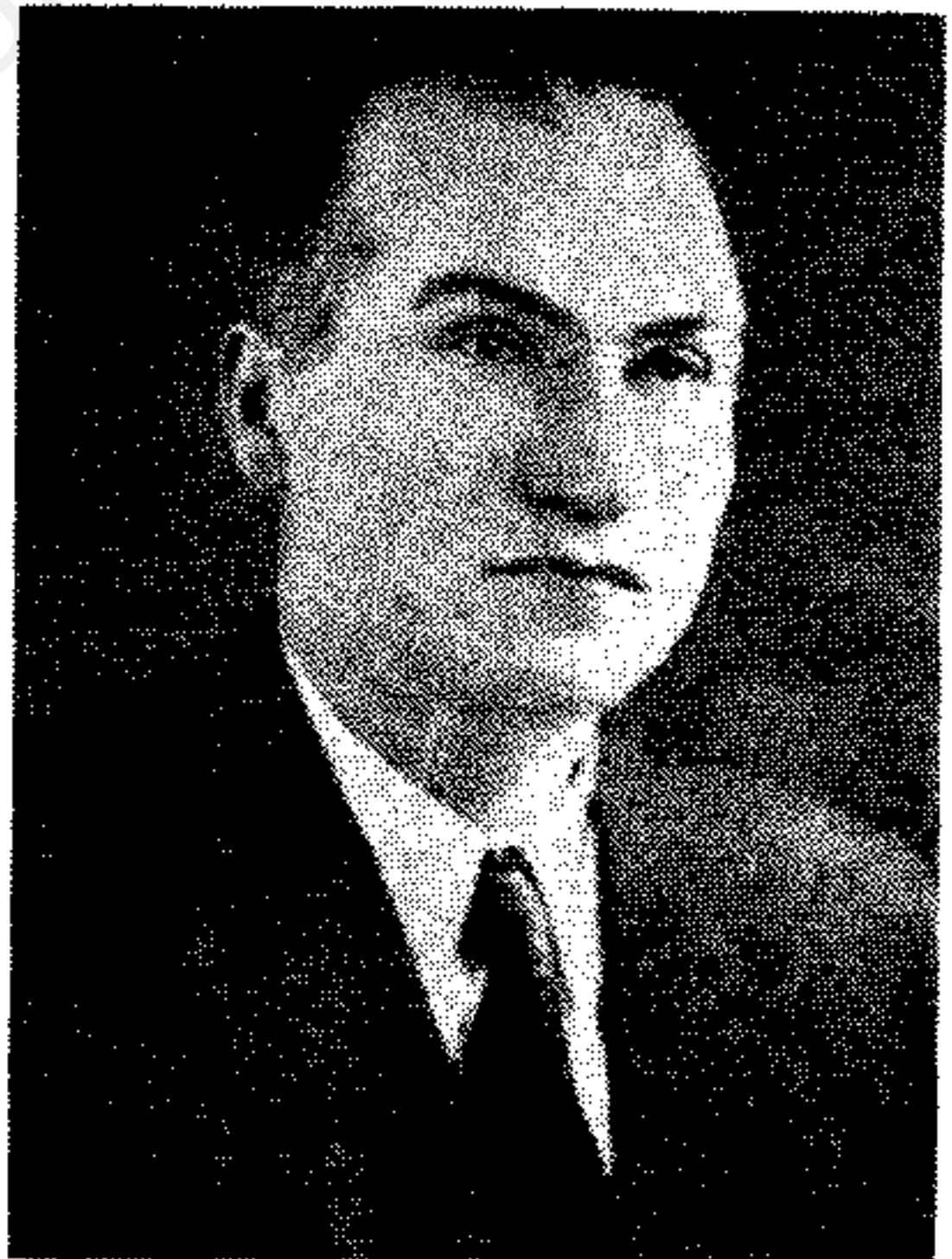
من از شرکت جواهر کلام در هیئت تحریریه روزنامه مردم تا حال خبر نداشتم (ص ۷۶).



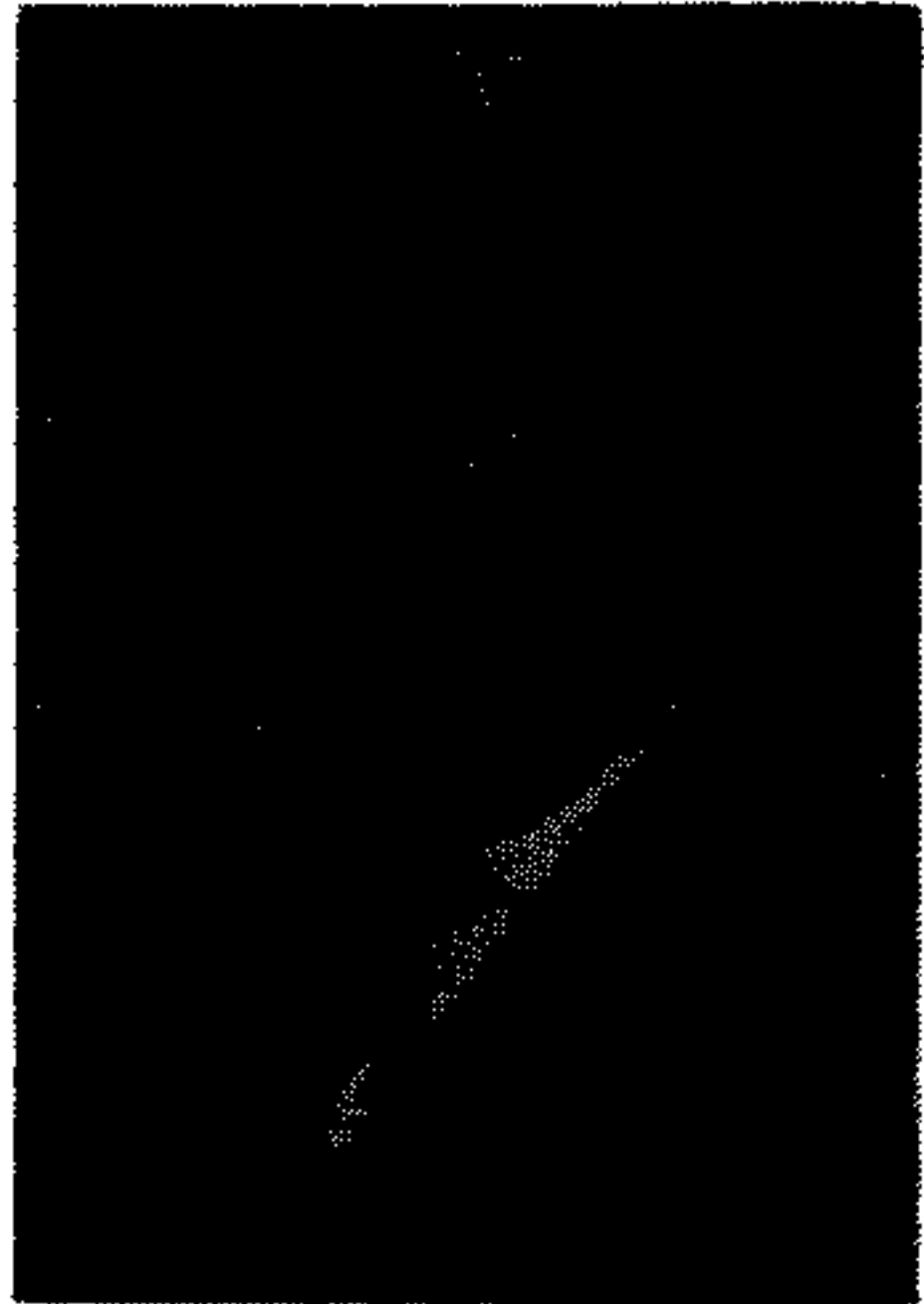
یوسف افشاری

او در جوانی در دانشکده «کوتو» تحصیل کرده بود (ص ۸۴).

رضا روستا



روستا فوق العاده جاه طلب و رفیق دوست بود و هیچ کس را قبول نداشت (ص ۸۲).



دکتر مرتضی یزدی

یزدی پس از تسلیم به رژیم شاه، پسرش را به ساواک  
مربوط کرد (ص ۳۹۲).



دکتر حسین جودت

جودت از روزی که وارد حزب شد جز همبیدن و تملق  
گفتن مقام مسلط حزب کار دیگری نداشت (ص ۵۱۶).



کریم کشاوری

کریم کشاوری از دوران نهضت جنگل به اتحاد شوروی  
گرایش یافت (ص ۳۸۳).



دکتر فریدون کشاوری

کشاوری آدمی بود حقه‌باز، دروغگو و بی‌عرضه (ص ۴۳۷).

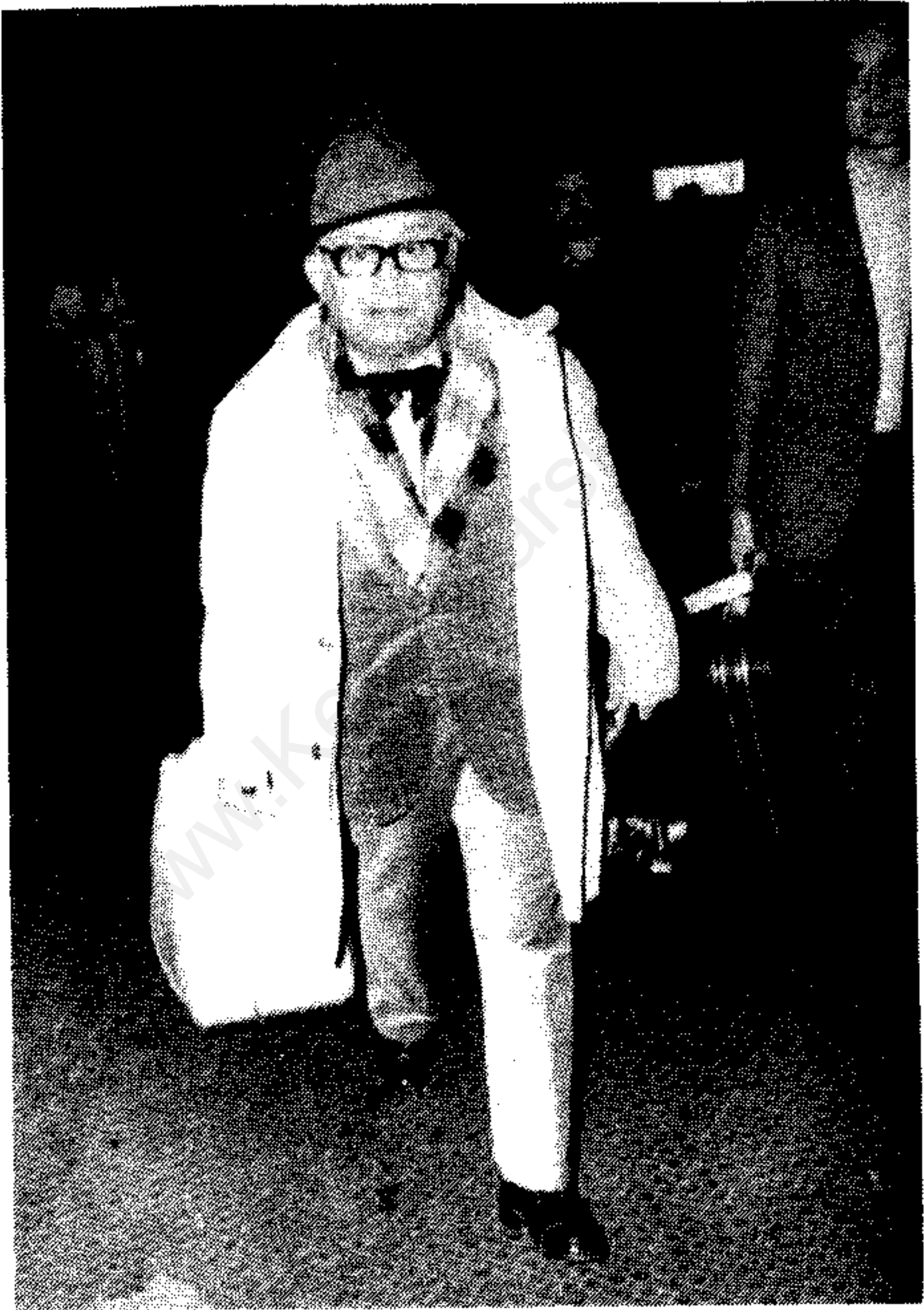




احسان طبری

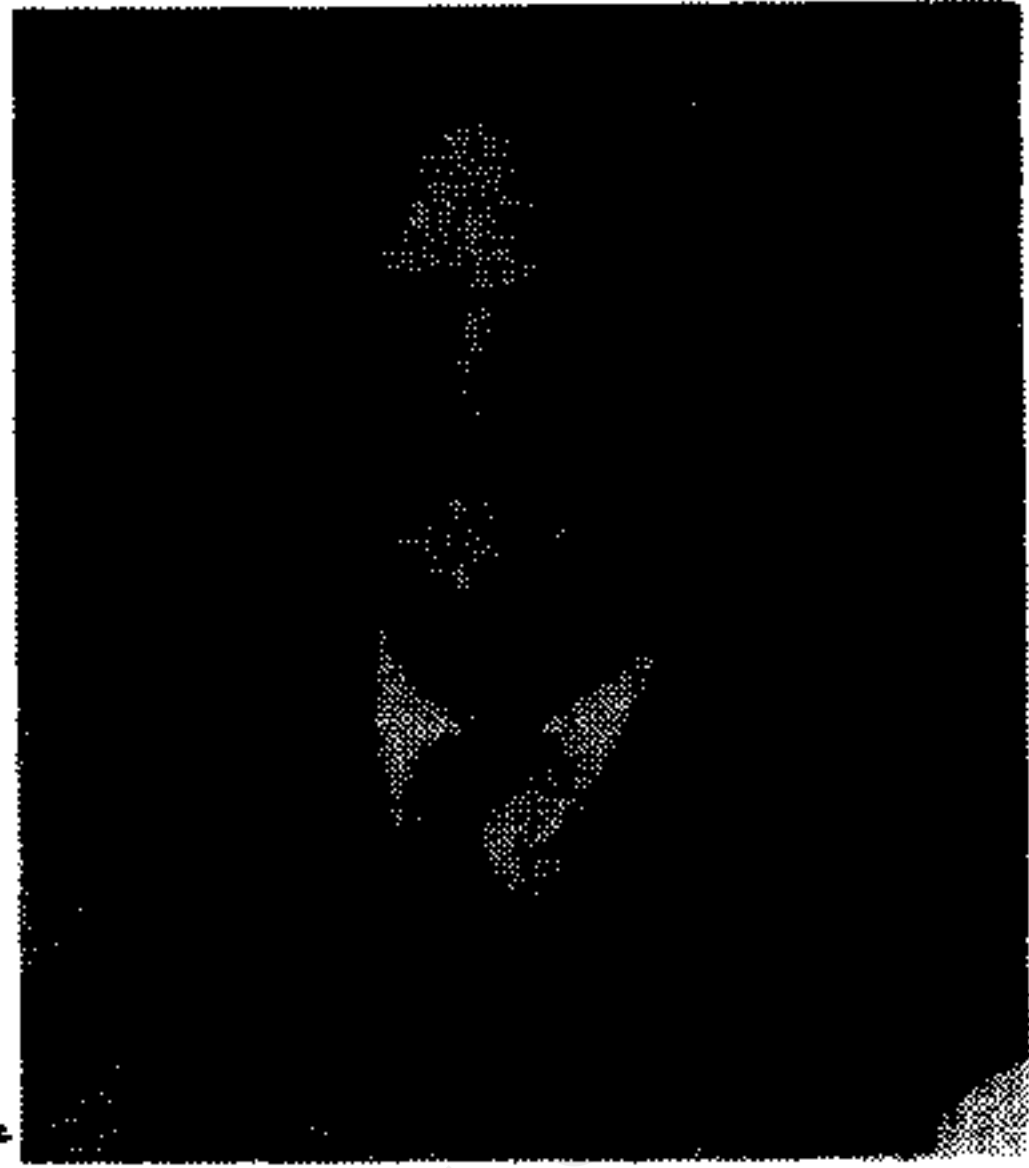
طبری آدم باسوادی بود، حافظه فوق العاده نیرومندی داشت (ص ۵۲۵).





بزرگ علوی

ارانی و اسکندری در تهیه مجله دنیا با بزرگ علوی و نظایر او رابطه داشتند (ص ۵۲).



عبدالحمین نوشین

فردی بود کاملاً مستقل و شجاع. از هیچ کس خرده برده‌ای  
نداشت (ص ۵۲۶).



محمد رضا قندره

قندره به اشاره کامبختش به من نزدیک شد (ص ۵۵).



دکتر غلامحسین فروزن راد

تنها دکتر فروزن به طور جدی از مصدق  
دفاع می کرد (ص ۲۱۷).



احمد قاسمی

قاسمی به تمام معنا یک دیکتاتور مطلق بود (ص ۳۹۹).

علوی چند سالی در زندان بود و اعدام شد (ص ۳۴۷).



مهندس علی علوی (در آخرین لحظات قبل از اعدام)



نورالدین موتی

امینی موتی را قیم فرزندان وثوق الدوله کرد. او  
بعدها وزیر دادگستری شد (ص ۱۳۸).

پیشه‌وری از کمونیست‌های معتقد  
قدیمی بود (ص ۱۱۵).



سیدجعفر پیشه‌وری



صادق پادگان  
سازمان حزب توده در آذربایجان بدون مشورت با  
کمیته مرکزی به فرقه ملحق شد (ص ۱۲۷).





غلام رحمتی دانشیان راست) و علی شمید

روی میز غلام یک تلفن بود که به وسیله آن با وزیران و دبیران حزب کمونیست آذربایجان شوروی تماس می گرفت و خواست هایش را مطرح می کرد (ص ۱۳۸۶).





محسن مبلاتیان (ژنرال فرقه)

این کارهای لوس و بی‌مزه که اسم سرتیپ را  
ژنرال گذاشتند کار باقروف است (ص ۱۲۲).



محمود بناهیان (ژنرال فرقه)

بناهیان پس از ترور تیمور بختیار به عراق رفت و برای  
«آذربایجان آزاد» تبلیغ می‌کرد (ص ۴۴۷).

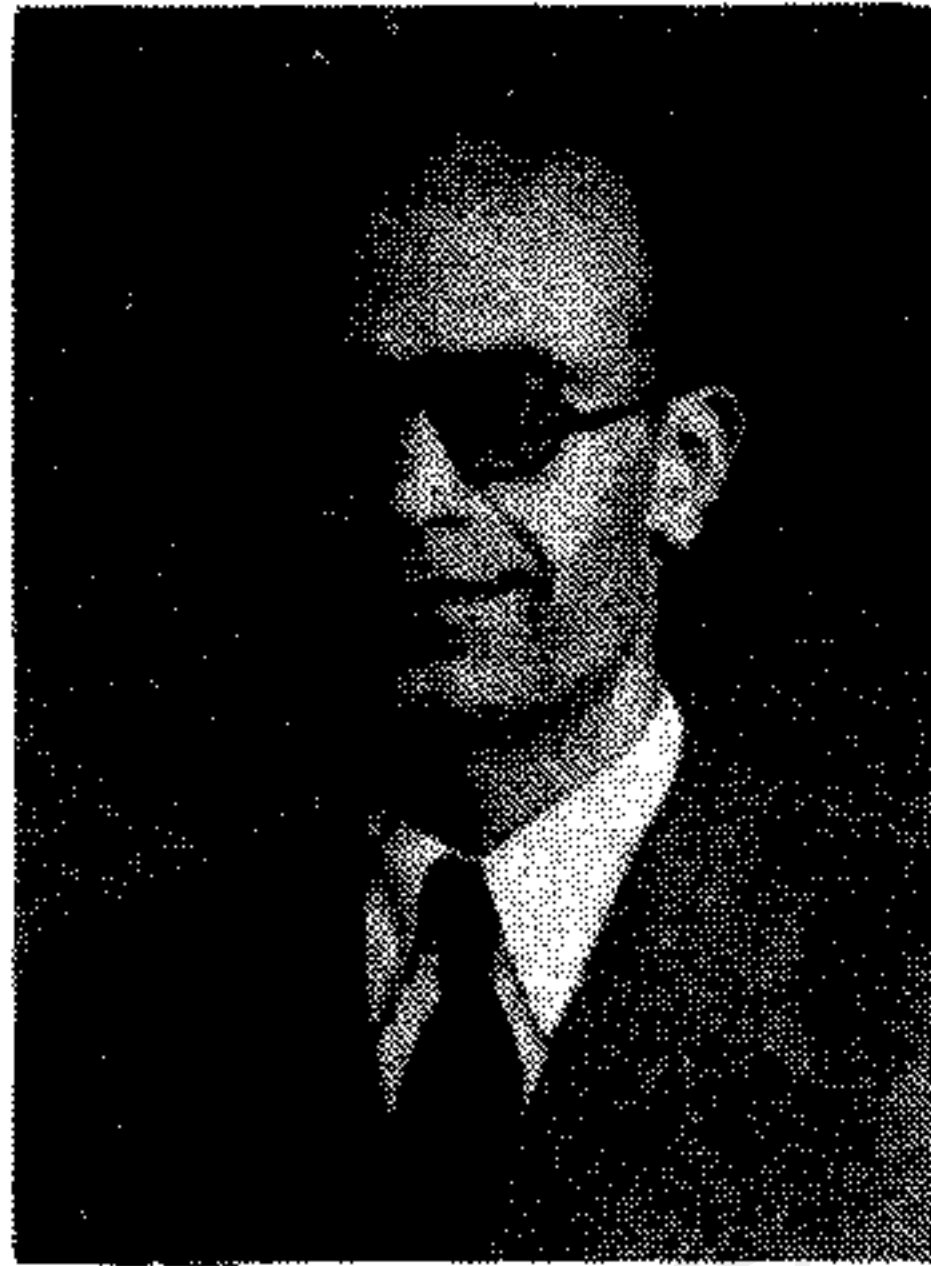
خلیل ملکی آدم تودار و مرموزی بود و همیشه خودش  
را بالاتر از همه می دانست (ص ۱۶۸).



خلیل ملکی



انور خامه‌ای  
خامه‌ای از همان زمان زندان با  
ملکی تفاوت داشت (ص ۱۷۰).



تقی مکی نژاد

مهندس مکی نژاد از گروه ارانی بود ولی هیچ وقت به  
من لو نداد (ص ۵۵).



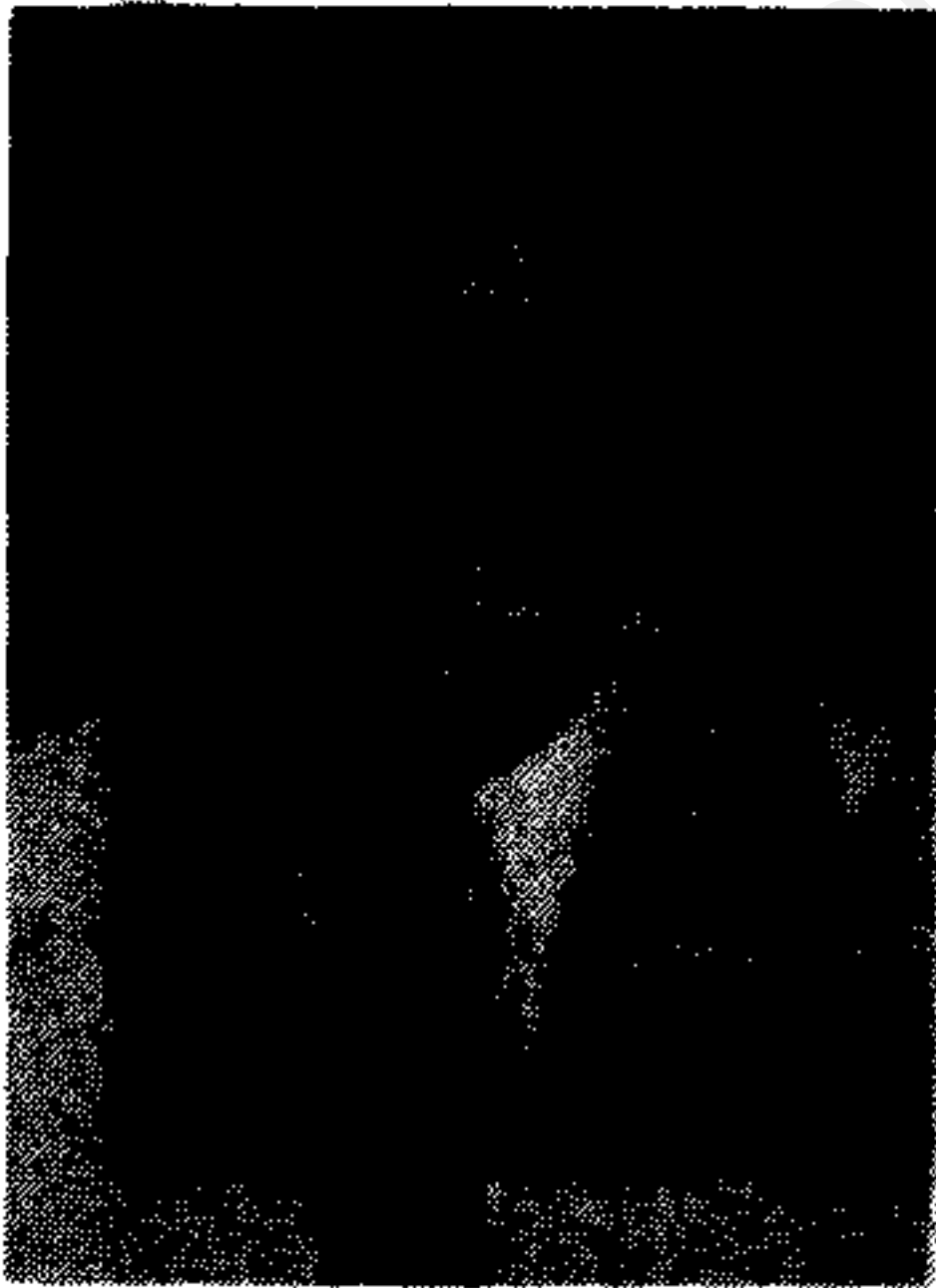
محمدعلی خنجی

در شرایطی که ملکی از گرایش‌های اولیه خود اسمی باقی گذاشته بود، دکتر خنجی تعابلات  
سوسیالیستی خود را حفظ کرد (ص ۱۷۴).



رحیم عابدی

جزء امضا کنندگان اعلامیہ انشعاب بود، ولی مدت زیادی با  
انشعابیون نماند (ص ۱۷۳).

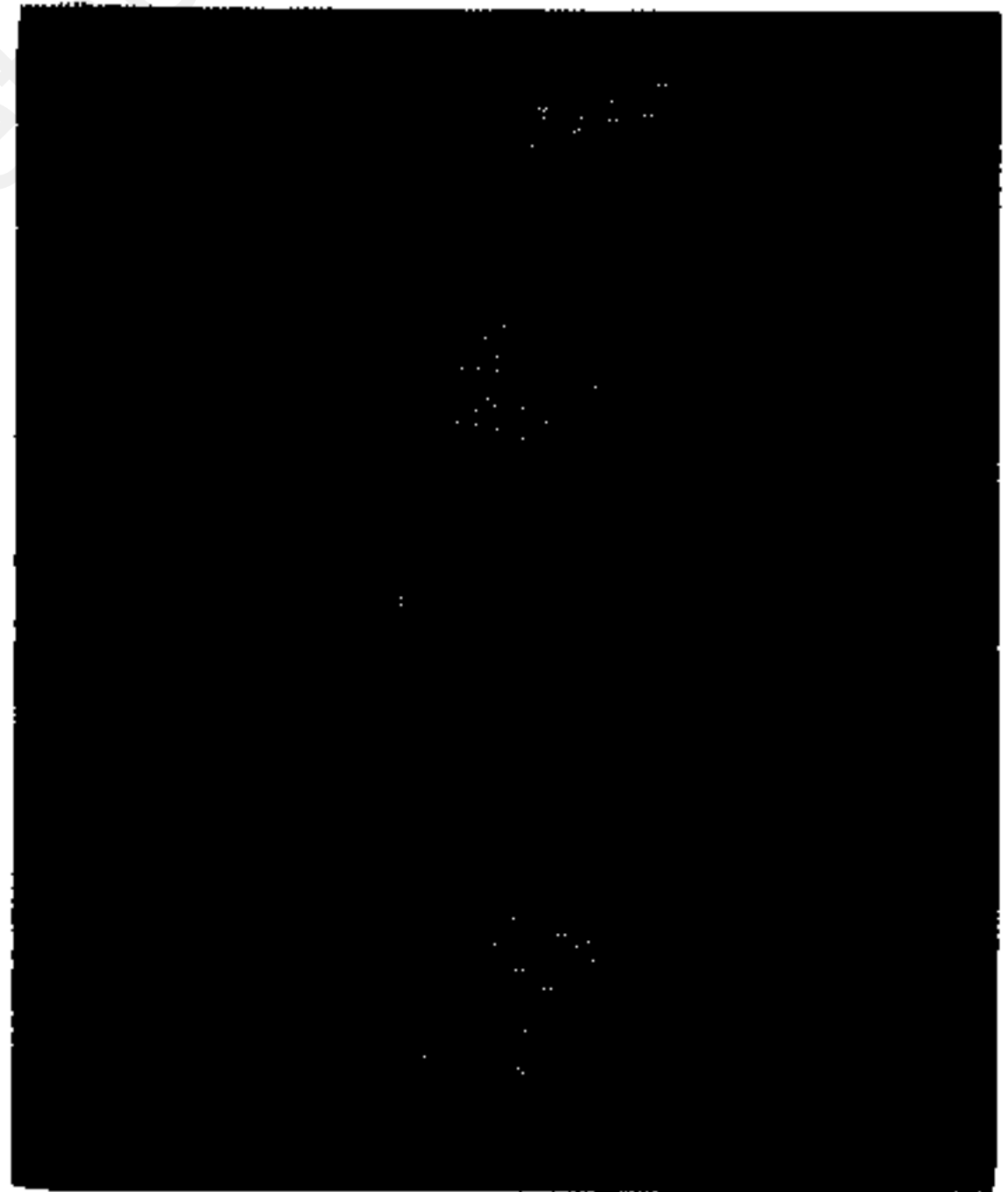


محمد زاوش



اسماعیل قزلباش زنجانی

مهندس زاوش و مهندس زنجانی را به حزب دعوت کردم و آنها پذیرفتند (ص ۱۷۵).



حسین ملک

مانند برادرش بسیار خودخواه و از خودراضی بود (ص ۱۷۶).



پیوستن رسول پرویزی به دربار عجیب نیست (ص ۱۷۷).



رسول پرویزی



گلستان از همانوقت خوشگذران بود (ص ۱۷۴).

ابراهیم گلستان





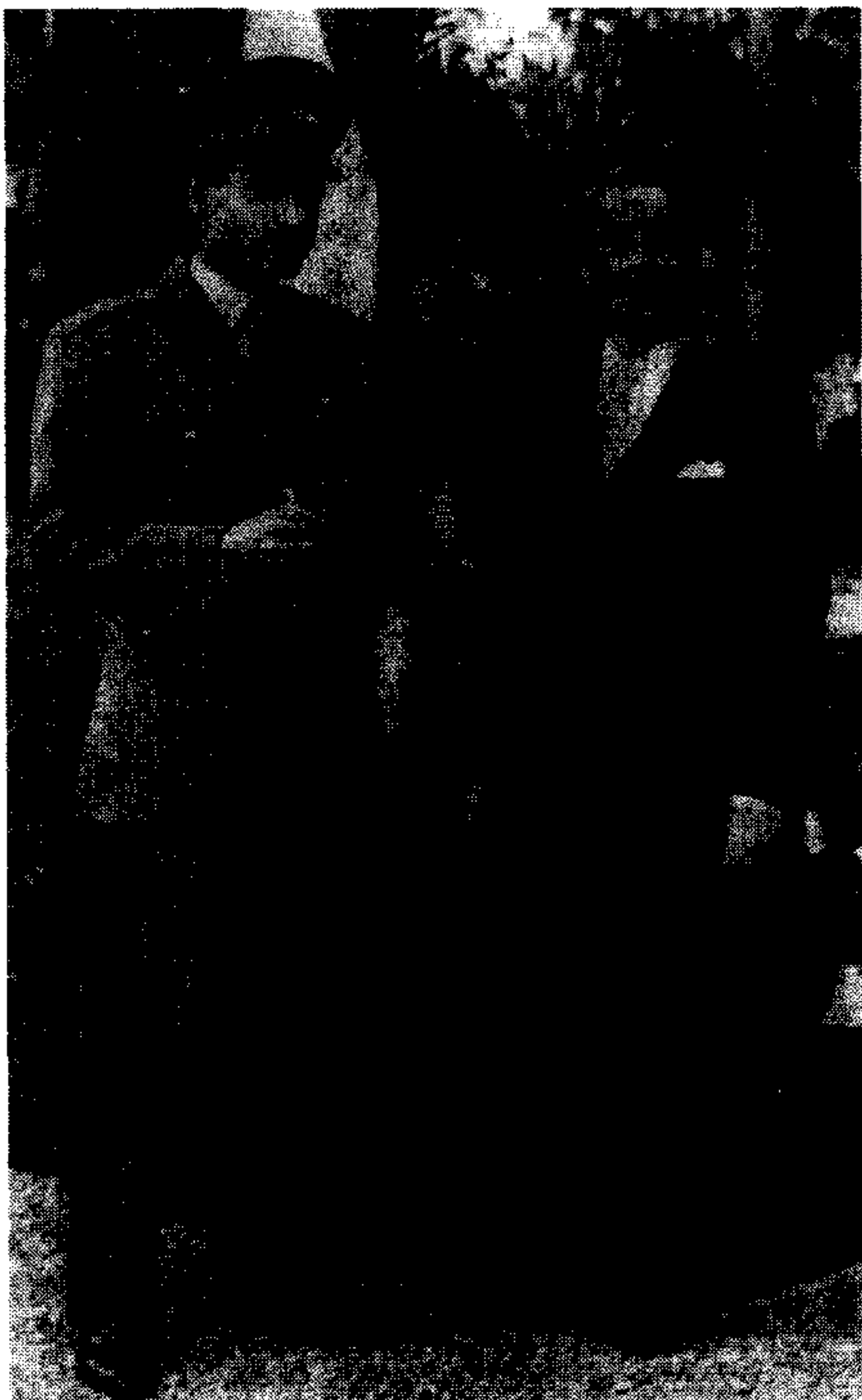
داریوش فروهر (نفر وسط)

آنها يك تشکیلات فاشیستی داشتند که هدف آن برهم زدن میثینگ‌های حزب توده بود (ص ۴۲۷).



احمد قرام و محمد رضا بهلوی

دکتر بارویان گفت: وزرای شما وارد کابینه شدند. خدا عاقبتش را به خیر کند (ص ۱۳۹).



رزم آرا و محمدرضا بهلوی  
شما رزم آرا را نمی شناسید. او باهوش ترین، باسوادترین، پرکارترین و از لحاظ مالی پاک ترین افسر ارتش  
شاه بود (ص ۱۹۶).



احمد دهقان

تمام حرف بقایای این بود که قاتل دهقان رزم آراست (ص ۱۹۷).



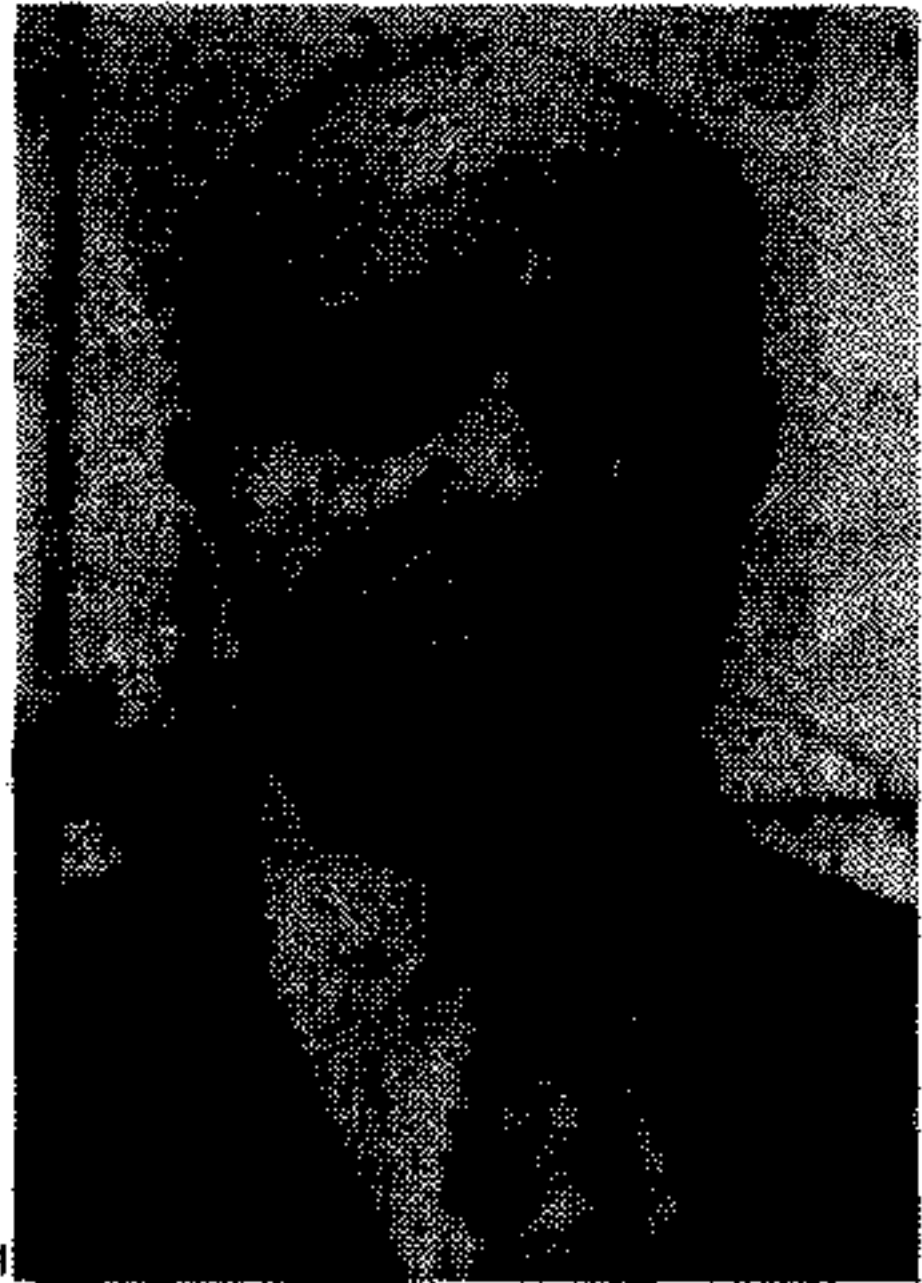
محمد مسعود

روزبه اعتراف کرد که محمد مسعود را او کشته است (ص ۱۴۹).





دکتر مظفر بقایی کرمانی (نفر سمت چپ تصویر منصور رفیع زاده است که بعدها مسئول ساواک در آمریکا شد)  
بقایی و چاقوکش هایش شاخ و شانه کشیدند که توده ای ها را می زنیم (ص ۲۴۴).



امیرالحسن عمیدی نوری

عمیدی نوری از همان زمان تأسیس جبهه ملی  
وابستگی مشکوک داشت (ص ۲۱۱).



عباس شاهنده

مسئلاً شاهنده به دستور سرویسهای غرب  
نزد پیشه‌وری رفته و چنین مطلبی را مطرح  
کرده است (ص ۱۳۴).